

مرگ کاسترو!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

مرگ کاسترو در سن ۹۰ سالگی، بار دیگر سایه او، چه گوارا، انقلاب کوبا و دستاوردهای بزرگ این جزیره کوچک دریای کارائیب را باز برفراز سر جهان به حرکت در آورد.

مرگ کاسترو، علیرغم تلاشهای نوستالژیک جنگ سردی میدیای دست راستی در غرب، بار دیگر برتری اخلاقی، ایدئولوژیکی و انسانی کوبای "کوچک"، منزوی و ۵۰ سال تحت محاصره اقتصادی بر رقبا و ابرقدرتی چون آمریکا، و بر بخش اعظم قدرت های اقتصادی و نظامی جهان، در مقابل چشم جهانیان قرار داد.

برتری کوبا در تامین بهداشت و آموزش همگانی بر رقبای چون آمریکا و بر تعداد زیادی از کشورهای اروپایی، آنهم در سخت ترین شرایط تحریم اقتصادی و تحمیل فقر و توطئه و جنگ آمریکا با آن، مرگ کاسترو را به پایان زندگی نماد مهمی از این برتری، مرگ یکی از برجسته ترین شخصیت های تاریخ نیم قرن گذشته تبدیل کرد.

جهانیان از آمریکای لاتین تا آسیا و آفریقا و اروپا، کوبای کاسترو، و کاسترو کوبا را با آمریکای ترامپ و ترامپ آمریکا، قیاس میکنند؛ در حالی که با انزجار به پیشواز ترامپ می رود، کاسترو را با احترام بدرقه می کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۲۷ نوامبر ۲۰۱۶

شیخ جنگی دیگر در بحبوحه

جنگ موصل

ربوار احمد

جنگ برای کنترل مجدد شهر موصل و دیگر مناطق تحت کنترل داعش به گرمی ادامه دارد. قبل از آنکه پیش بینی معینی برای خاتمه این جنگ وجود داشته باشد، همه ناظرین سیاسی از احتمال جنگ های دیگر در ادامه جنگ حاضر می گویند. اما، نشانه های اولیه یکی از این جنگها، خیلی قبل تر از این پیش بینی ها، خود را نمایان کرده بود. مسعود بارزانی و علی عبادی که در جریان کنفرانس خبری

خواهد بود، اما بایستی با آمادگی کامل با هرگونه تهدید روبرو شویم. هنگامیکه این سخنان بارزانی را در کنار علم کردن تهدید آمیز جدایی کردستان و تشکیل دولت مستقل قرار دهیم، آنموقع روشن میشود که پشت "آن واقعه ای که در آینده پس از داعش گریبانگیرشان خواهد شد"، تهدیدی در حقیقت آشنا، معین و برنامه ریزی شده خود را پنهان کرده است. .. صفحه ۳

این تعرض را باید پاسخ داد!

فواد عبدالمهدی صفحه ۴

در ایران هم جنگ است؛ جنگ نان!

مظفر مومری

برای تامین اجتماعی و بیمه ها و مایحتاج ضروری مردم و دکتر و دارو و مسکن و رفاهیات جامعه بیشتر است. آنوقت می آیند و می گویند پول و سرمایه نیست. می گویند سرمایه باشد و سرمایه گذاری بشود، اشتغال هم بوجود می آید...! اما پول و سرمایه بوفور هست. ایران کشوری است که نفت و پتروشیمی و ذوب آهن و اتومبیل و فولاد و محصولات کشاورزی دارد، معادن طلا و مس و نقره و سنگ مرمر دارد. طبقه کارگر ماهر و تحصیل کرده دارد. ... ←

تا آن را روز بروز و سال به سال سیاه تر و شهروندانش را تباه سازند. حاکمیتی به نام جمهوری اسلامی فارغ و بی خیال از ده ها میلیون انسان کاملاً فقیر و ندار و یا زیر خط فقر، اکنون در چند کشور منطقه خاور میانه "سوریه، عراق، یمن...". در حال جنگ است و مخارج چندین سازمان و گروه سیاسی و نظامی و مذهبی از حزب الله لبنان و حوثی های یمن و حشد الشعبی عراق تا دولت بشار را تامین می کند. مخارج این جنگ ها و این سازمان ها از بودجه کل کشور

ده میلیون کارگر بیکار و فصلی و ساختمانی، با خانواده هایشان نصف جامعه اند. میلیون ها کودکان کار و خیابان و پای دار فرشبافی ها، یک میلیون تن فروش، میلیون ها کارگر شاغل بدون امنیت شغلی و با دستمزد یخور و نمیر، بازنشستگان با حقوق تحقیر آمیز، میلیون ها زن خانه دار بی اجر و مزد...، این است جامعه ای که بورژوازی و سرمایه دارانش در بیت رهبری و سپاه پاسداران و بسیج و وزارت اطلاعات و دولت و مجلس و دستگاه قضایی جمع شده و دست به دست هم داده اند

آزادی برابری حکومت کارگری

در ایران هم جنگ است ...

اما تولیدات دسترنج کارگر و زحمتکشان را جای دیگر و به مصارف جنگ و کشتار و پرورش نهادهای مذهبی و فرقه ای و تروریستی می رسانند. ماهانه میلیاردها دلار به جیب سران سپاه و بسیج و بیت رهبری و مدیران ارشد و وزرا و وکلای ریخته می شود و میلیاردها دلار دیگر را می دزدند.

در این حاکمیت و در این کشور، زندگی دو نسل کارگرو خانواده های کارگری و جوانان و زنان جامعه تباه شده است. باید از بورژوازی حاکم در ایران پرسید در محاصره شهر موصل چکار می کنید؟ در سوریه و حلب به چه مشغولید؟ در یمن و لبنان چکار می کنید؟ ماهانه چه مبلغی به حزب الله و حشد الشعبی و حوثی ها می پردازید؟ برای حفظ بشار اسد مخارج ماهانه ات چقدر است؟

به ما میگویند شکر گزار باشید که ایران سوریه و عراق و لیبی نشده. اما شده است. جنگ فقط جنگ سلاح نیست. جنگ نان و معیشت هم هست. شما از دستمزد کارگر، حقوق معلم و پرستار و بازنشسته و بیمه بیکاری که به کارگران بیکار نمی دهید، می گیرید و به مخارج جنگ هایتان می رسانید. شما با ده ها میلیون کارگر و زحمتکش این جامعه جنگ بر سر نان و سفره خالی مردم راه انداخته اید. شما عوارض جنگتان را به جامعه ما کشانده اید. اینجا هم جنگ است. تنها کسانی نیستند که به نام سرباز و بسیج و پاسدار و کارگر افغانی در حلب و موصل به کشتن می دهید. شما به ده ها

میلیون شهروند جامعه هم یک جنگ تمام عیار را تحمیل کرده اید. جنگ نان! کدام جنگ خانمانسوز از ده میلیون بیکار بدون بیمه بیکاری بدتر است؟ از میلیون ها کودک کار و خیابان و تن فروشان و معتادان مایوس از زندگی بدتر است؟ در جنگ هایتان کشته می دهید و می کشید و خانه های مردم را بر سرشان ویران می کنید و اینجا ده ها میلیون انسان را به جنگ مرگ و زندگی کشانده اید!

بخور و نمیر جنگ است. استثمار کارگر، فقر و فحشا و فساد و دزدی و غارتگری اموال جامعه جنگ است. شما جنگ را بر سر سفره ما آورده اید. شما ما را به قیمت استثمار وحشیانه و بی حقوقی کارگر و گرسنگی و مرضی و بیکاری و فحشا و کار کودکانمان در جنگی شریک کرده اید که جنگ ما نیست. جنگ را تو و همپالگی هایت در رقابت با همدیگر راه انداخته اید و می آید به ما میگویند شکر گزار باشید ایران امن است!!

بیکاری مطلق یعنی مرگ حتمی؛ امنیت است؟ با تن فروشی و کار کودکان مخارج بخور و نمیر خانواده ها را گیر آوردن، امنیت است؟ دستمزد کارگر و معلم و پرستار و کارمند جزء چند برابر زیر خط فقر، امنیت است؟ سرکوب و کشتار و اعدام دستجمعی و آزار زنان و تبعیض جنسی و ممنوعیت آزادی بیان و تشکل و تحزب، امنیت است؟ کسی هست یک جو وجدان داشته باشد و بگوید ایران امن است؟ کسی هست یک جو شرف داشته باشد و بگوید جنگ نان، جنگ پنهان

و آشکار، جنگ مرگ و زندگی، مرگ تدریجی ده ها میلیون انسان در ایران، جنگ نیست و امنیت است؟ طبقه کارگر، زحمتکشان جامعه، زنان تحقیر شده، جوانان بیکار و بی آینده، باید با صدای بلند و با فریاد به گوش جامعه و دشمنانی که جنگ نان را به مردم تحمیل کرده اند، بخوانند و بگویند:

"سرمایه و پول نیست" دروغی کثیف است. هست و جای دیگری صرف و یا حیف و میل میشود. ما خسته شدیم. شکم گرسنه دین و ایمان ندارد. جنگ های منطقه ای و جنگ بر سر نان را که به ما تحمیل کرده اید، دو نسل جامعه ما را تباه کرده است. چه کسی به شما اجازه داده است صاحب این مملکت و صاحب جان و مال و روان ده ها میلیون خانواده های کارگری و زحمتکش جامعه باشید؟ که به شما اجازه داده است در منطقه جنگ راه بیندازید و در جنگ های منطقه ای به قیمت نان سفره ما و به فساد کشاندن جامعه ما شرکت کنید؟...

به جنگ هایتان خاتمه دهید. سرنوشت مردم منطقه را دست خود مردم شان بسپارید. مخارج جنگهایتان، مخارج دستگاه های نظامی و امنیتی تان، دزدی های سرسام اورتان، تجارت و رباخواری و کار قاچاق و به جیب زدن ارزش اضافه محصول کار و رنج طبقه کارگر را به بیمه های بیکاری، دستمزد مکفی به کارگران شاغل، امنیت شغلی و رفاه اجتماعی اختصاص دهید. آنوقت برای همه کار هست. نان هست، مسکن هست. طب و درمان هست... یا جامعه را دست

صاحبان واقعیش بدهید. شما جامعه جنگ زده و فقر زده و بیمار و گرسنه و مایوس و منتظری ساخته اید و هنوز طلبکارید. شرمتان باد! جمهوری اسلامی به حد کافی و تا خرخره فاسد و بزهکار و بدهکار مردم است. این را هر وجدان بیدار و هر انسانی که یک جو شرافت و وجدان داشته باشد، می فهمد.

طبقه کارگر آگاه باید صدای آزادیخواهی و رفاه طلبی و مدافع و ناجی جامعه فقر زده و گرسنه و تباه شده اش باشد. جامعه ایران صاحب یک لشکر از کمونیست ها، سوسیالیست ها، آزادیخواهان، برابری طلبان و انسان دوست ها است. نمی توان شاهد تباهی ده ها میلیون انسان بود و خود را کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب و انساندوست نامید و سر خود را بلند نگه داشت. باید یقه این رژیم را گرفت و پاره کرد و پایان جنگ ها و حیف و میل ها و تبعیض و ستم و فقر و گرسنگی را خواست و اعلام کرد. این زنگ خطر را باید هر روز و شب به گوش جمهوری اسلامی و سرمایه داران و نظامیان ریز و درشتش به صدا در آورد. باید بر این جنگ نان و فقر و گرسنگی و تباهی شورید. گرسنگان را سازمان داد و متحد کرد و مبارزه طبقاتی واقعی را در کارخانه و محله و دانشگاه ها و مدارس و کل جامعه سازمان داد و راه انداخت. مدت ها است کارد به استخوان رسیده و مدت هاست بغض ها در گلو خفته و فلاکت بر جامعه سایه افکنده است. دیگر زمانی برای انتظار نمانده است و کاسه صبر از این دولت به آن دولت و از این فرجام تا آن فرجام مدتها است لبریز شده است. باید کاری کرد. امروز کاری کرد، فردا دیر است!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

شیخ جنگی دیگر..

بارزانی این "تهدید" را یک فال بینی برای خود عنوان کرد. اما وقتی که "نمیدانم" اش را کنار سخنان دیگرش در این مورد که "تقریباً تمامی خاک کردستان را آزاد کرده ایم، با آمریکا بر سر عدم عقب نشینی نیروی پیشمرگ از مناطقی که آزاد کرده اند به توافق رسیدیم، و دولت مستقل کردی اعلام میکنیم...." قرار دهیم، دیگر نبایستی نه "ندانستن" اش جدی گرفته شود و نه حسابی برای فال بینی اش در مورد پیش بینی "واقعه بعد از داعش" باز کرد. بارزانی طرفین و موضوع و ماهیت آن جنگ را تعیین کرده است. که در یک جمله میتوان گفت جنگ ناسیونالیزم کرد و عرب بر سر تقسیم سرزمین و قدرت و منابع طبیعی خواهد بود. بدون شک، اگر این جنگ بوقوع بپیوندد، مردم کرد زبان و عرب زبان را برای آن بمیدان خواهند فرستاد که در ارزیابی نهایی، این جنگ ارتجاعی کرد و عرب خواهد بود و فجایع و مصائبش از سناریویی که از سال ۲۰۰۳ جامعه عراق با آن گریبانگیر است کمتر نخواهد بود. کانال تلویزیونی "روداو" جهت تحلیل و ارزیابی محتوای اظهارات بارزانی، همان روز مصاحبه ای با شیخ جعفر مصطفی، مسئول شاخه ۱۵ حزب دمکرات کردستان انجام داد. شیخ جعفر در این مصاحبه و بدون مطرح کردن "نمیدانیم" و فال بینی، صریحاً به جزئیات این موضوع پرداخت و گفت که جنگ بعدی ما مطمئناً با دولت عراق و مشخصاً با "حشدی الشعبی" بر سر تعیین تکلیف سرنوشت مناطق مورد اختلاف و مناطقی که از دوران ورود داعش تحت تسلط نیروی پیشمرگ بوده اند، خواهد بود. در دنیای واقعی ناسیونالیزم کرد،

درست پس از یورش ۲۱ اکتبر داعش به شهر کرکوک، این جنگ را با یورش علیه آواره های عرب زبان و ویران کردن خانه و کاشانه شان آغاز کرده است. سازمان مدافع حقوق بشر در این زمینه این عمل را محکوم کرده و حکومت کردستان نیز با دستپاچگی جوابی داده است. یکروز پس از اظهارات بارزانی در شهر باشیک، دفتر علی عبادی در عکس العمل به گفته های ایشان، اعلام کرد که: "هیچ تغییری در توافقات بغداد و اربیل بوجود نیامده است، و بنا بر مفاد این توافقنامه نیروهای پیشمرگ دوش بدوش نیروهای عراق برای آزاد کردن موصل می جنگند، بعد از آن و بنا به مفاد اشکار این توافقنامه نیروهای پیشمرگ بسوی مناطقی که قبل از آغاز این عملیات در آنها مستقر بودند عقب نشینی خواهند کرد، و تاکنون در چند ناحیه این مفاد عملی شده اند." اعلامیه دفتر عبادی حتی اظهار میدارد: "آن مناطقی که در دوران حکومتهای قبلی تحت تسلط پیشمرگ درآمده اند، بنا به قانون اساسی عراق تعیین تکلیف خواهند شد." این اظهار نظر آشکارا نشان میدهد که از نظر عبادی و حکومت عراق، نیروهای پیشمرگ نه تنها بایستی از مناطقی که در نتیجه عملیات موصل آزاد شده اند عقب نشینی کنند، بلکه بایستی آن مناطقی را هم که از سال ۲۰۱۴ تاکنون تحت کنترل خود درآورده اند، (در زمان یورش و پیشروی داعش بارزانی اعلام کرد که این فرصتی برای تحت کنترل درآوردن مجدد مناطقی است که از کردستان منقطع شده اند، و عملاً نیز بخشهایی از آن را بکنترل درآوردند)، باز پس دهند. و حتی از اینهم بیشتر، قانون اساسی مملکت برای همه آن مناطقی که نیروی پیشمرگ از سال ۲۰۰۳ به این

طرف و در دوران حکومتهای مختلف عراق بدست آورده بود، تعیین تکلیف خواهد کرد. در ششمین بند یادداشتنامه تفاهم میان وزارت دفاع آمریکا و وزارت پیشمرگ نیز بعنوان شرط کمک ۴۱۵ میلیون دلاری ای که برای نیروی پیشمرگ تخصیص داده شده، گفته شده: "در زمان به اجرا درآوردن این یادداشتنامه، نیروی پیشمرگ و دیگر نیروهای اقلیم کردستان عراق طبق جدول زمانبندی شده توسط حکومت عراق از مناطقی که در نتیجه عملیات نینوا آزاد میشوند، عقبنشینی میکنند." جای تردیدی نیست که اگر نیروهای قومی و مذهبی میدان دار باشند، پایبند به هیچ قانون و توافق نامه ای نخواهند بود و آخر سر نگرانی و خطر بسیار جدی ای وجود دارد که اختلافات توسط و در نتیجه جنگ و قتل عام های خونین یکطرفه شوند. بدین شیوه میتوان از هم اکنون بخشی از طرفین و عوامل و محتوای آن واقعه بسیار احتمالی که ممکن است پس از داعش گریبان مردم را بگیرد، را مشاهده کرد و حتی هیچ تضمینی نیز وجود ندارد که این فاجعه حتی منتظر دوران پس از بیرون راندن داعش از موصل بماند و در جوار جنگ کنونی موصل جنگ خانمانسوز دیگری بر مردم تحمیل نکرده. البته از همان آغاز معلوم بود که وقتی جنگ علیه داعش، (ورای شیوه و روش تروریستی و ضدانسانی ای که با بمباران شهری یک و نیم میلیونی ای که به گروگان گرفته شده است)، قالبی قومی و طایفه ای بخود بگیرد و از یک طرف توسط ناسیونالیزم کرد که با هدف "آزادکردن مناطق کردنشین منقطع شده" در آن شرکت کرد، و از طرف دیگر برای نیروهای میلیشیای شیعه وابسته و طرفدار جمهوری اسلامی نیز هدف از شرکت در این جنگ

علاوه بر انتقامگیری طایفه ای از سنی مذهبها، عبارت از تغییر کفه ترازوی قدرت بنفع خود در جریان تخصیصات منطقه‌ای با نیروهای رقیب خواهد بود. این، همان عواقبی را خواهد داشت که هم اکنون سران و سیاستمداران همه طرفین برای آن فراخوان میدهند. این، تنها یکی از صورت های سناریوی فاجعه بارکنونی است و یکی از جنگهای ارتجاعی ای است که آینده مردم این منطقه را تهدید میکند.

این تهدید بایستی توسط مردم آزادیخواه کرد زبان و عرب زبان، و همچنین از جانب نیروهایی که خود را در قبال امنیت و آسایش و زندگی مردم و دفاع از مدنیت در جامعه مسئول میدانند، کاملاً جدی گرفته شود.

ضروریست که موضع آشکار و قاطع علیه این تهدید گرفت و بمنظور خنثی کردن طرحها و نتایج فاجعه بارش سیاست و طرحهای پیشرو در مقابل آن ارائه داد. در این زمینه، پرده برداشتن از ماهیت و محتوای ارتجاعی و ضدانسانی ناسیونالیزم و قومپرستی کرد و عرب، آگاه کردن وسیع مردم از مخاطرات و عواقب فاجعه بار این جنگ، ضرورت برجسته کردن همسرنوشتی این مردم و رای تعلقات قومی و مذهبی تحمیل شده بر آنان، و بمیدان آوردن نیروی مبارزاتی مردم آزادیخواه علیه این تهدید، بزرگترین، فوری ترین وظیفه و مسئولیت همه آن نیروهایی است که دفاع از مدنیت جامعه و ممانعت از سوق دادن آن بسوی فاجعه جنگ و اختلافات قومی و مذهبی را وظیفه خود میدانند.

این امر مهم و انسانی را نبایستی به تاخیر انداخت. رهبری و تلاش برای پیشقدمی در این میدان، یک وظیفه عظیم کمونیستی است!

این تعرض را باید پاسخ داد!

فواد عبداللهی

”دولت سیاستهای کلی خانواده را ابلاغ کرد“... سندی که سیاه روی سفید زن را توسری خور و در رده احشام تعریف کرده است. این سند ”با زبان خوش“ از زنان میخواهد که ضمن ”رعایت روابط اسلامی و پرهیز از مظاهر فرهنگ غرب“، ”نقش خانه داری و مادری“ را بپذیرند و ”نقش اقتصادی و پدری“ را به مردان واگذار کنند!

۱- همه و صد البته خودشان هم میدانند که جمهوری اسلامی امروز در مقابل نسلی که تره برای اسلام و ارزش های مذهبی خورده نمیکند در موقعیت آن رژیم اوایل دهه ۶۰ نیست که یک ماشین جنایت و سرکوب خشن و خونین را سازمان دهد، آدم ها را به جرم نماز نخواندن و رعایت نکردن قوانین و پوشش اسلامی اعدام و سر به نیست کند، جنازه هایشان را همگی با هم در گونی بیچد و شبانه در خاوران و لعنت آبادهای پشت بهشت زهرا و در شهرستان های مختلف در گورهای دسته جمعی دفن کند. این دم و دستگاه هر چند یکی از مهمترین پایه های ایدئولوژیک اش را در تعرض به زنان و قانونی کردن آپارتاید جنسی از همان بدو تولدش سفت کرده است اما به لحاظ موقعیت اجتماعی و جنبشی در مقابل موج عظیمی از مقاومت مارائنی بیش از سه دهه مردم ایران و نفرت علیه آرمانها و باورهایش به خنسی برخورده است. در جامعه ای که

خواست آزادی و برابری، مطالبه عمیق میلیونها زن و مرد است؛ در نظامی ای که حتی سران کله گنده و ورم کرده آن به شکست شان در اسلامیزه کردن جامعه ایران اعتراف می کنند و از قافله عقب مانده اند، ابلاغ چنین سندی در نگاه اول زیادی مضحک است و بیانگر چیزی جز دست و پا زدن مستاصلانه دولت نیست. تلاشی پوچ برای بخت کردن کل حاکمیت علیه جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه ای که عملاً هیچگاه به ارزشها و باورهای جمهوری اسلامی تسلیم نشد. بدین لحاظ فقط باید به چنین سند و سیاستی که دولت تصویب کرده خندید. اینها فقط چاله زیر پایشان را گودتر می کنند. مسله زن بویژه در ایران یک مسله سیاسی است. این جنبش پاسخ سیاسی برای حل مسله را می طلبد. برای دستیابی به آزادی و برابری، برای خلاصی از بربریت زن ستیزی، برای رهایی از خفت و خواری آپارتاید جنسی، برای برخورداری از جامعه ای درخور انسان متمدن، جامعه ای که زنان را بعنوان انسان های کامل و برابر به رسمیت می شناسد باید این نظام را زیر و رو کرد؛ باید دست مذهب و خرافه را از زندگی مردم کوتاه کرد، باید جدایی دین از آموزش و پرورش را حاکم کرد، باید کلیه قوانین اسارت بار و ضد زن را ملغی کرد. این حداقل شرایط لازم برای بنا کردن یک دنیای بهتر است.

۲- مستقل از جنبه کثیف و اسلامی

این سند اما پشت پرده این سیاست را باید افشا کرد. می گویند که جمعیت بیکار در ایران قرار است تا چند سال آینده به سقف ۱۱ میلیون نفر هم برسد. این دولت پاسخ به مسله اشتغال و معضل بیکاری محرومین جامعه را ندارد. با موجی از زنان و مردان آماده به کار، ماهر و تحصیلکرده روبرو است. در نتیجه، یک رکن حفظ سودآوری جیب جناب ”کارآفرین“ و نظام حاکم اش این است که بین زن و مرد، بین دو نیمه جامعه یک نیمه اش مفت و مجانی خانه داری و ”بچه زایی“ کند، از نیمه دیگر آن سه شیفته و بخور و نمیر بیکاری بکشند، تفرقه و تبعیض حاکم باشد، زنان محرومیت های بیشتری را تحمل کنند، و حاصل این تفاوت و تفرقه چه بلحاظ اقتصادی و چه سیاسی به جیب سرمایه داران و سیستم حاکمه آنها برود. این در واقع پیام اصلی سندی است که دولت ابلاغ کرده است. تعرضی دیگر به طبقه کارگر و مطالبات رفاهی در سطح جامعه! هر کس کمی از واقعیت های ایران در ۷۰ سال اخیر باخبر باشد، هر کس که معضلش آزادی و رفاه مردم باشد، کسی که در صف دشمنان سعادت مردم نباشد، کسی که دردش رشد سرمایه ملی و حفظ بازار داخلی نباشد، کسی که دفاع از سرمایه و تولید خودی در مقابل سرمایه بزرگ خارجی امرش نباشد، هر کس که مسله اش دفاع سیاسی و اقتصادی از حاج آقاهای خودی و جزو طرفداران رشد موزون سرمایه در ایران نباشد، خوب می داند که بیش از نیم قرن است که زنان نیمی از جامعه ایران هر

لحظه و هر روز وحشیانه استثمار شده اند و برای گرفتن سهم بیشتری از حاصل کارشان و برای برابری اقتصادی و ورود به عرصه کار اجتماعی جنگیده اند، برای برابری مبارزه کرده اند و قربانی داده اند. هر ساعت و هر روز آزادی از چنگال دین، فقر، تن فروشی، ستم و مردسالاری را آرزو کرده اند و برابری خواستشان بوده است. خواست آزادی و برابری بطور اخص بیانگر آمال و آرزوهای زنان است که بخصوص در ربع قرن گذشته در مقابل توحش اسلام سیاسی جانانه مقاومت کردند و برای رهایی جنگیده اند. امروز و در پس تمام عوامفریبی های دولت روحانی، در مقابل کل مطالبات فروکوفته زنان، باید پرچم آزادی و برابری را برافراشت. باید مطالبه ۳۰ ساعت کار در هفته را مطرح کرد، باید سدی در مقابل تفرقه و تبعیض در صفوف زنان و مردان ایجاد کرد. باید پرچم انسانی ترین مطالبات، جهانشمول ترین خواسته های مساوات طلبانه را در مقابل دشمن برافراشت. باید صف خود را علیه کل سیاست ها و پارازیت های دولت و اردوی مرتجعین یکدست کرد. صفی که تشنه غلبه بر جمهوری اسلامی است بدون به اهتزاز درآوردن پرچم ”رهایی و برابری زنان“ محکوم به شکست است. پاسخ رهایی کامل زنان نه در بطن نظام سر تا پا متعفن موجود، نه با کش دادن وضع موجود بلکه شوریدن علیه آن است. جواب نهایی به ستمکشی و نابرابری زن، سوسیالیسم و برابری در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

پارتنرهای حزب حکمتیست

حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!